

Conceptualization of "good deeds" in the Holy Qur'an with a cognitive approach

Farideh Amini, Fathiyeh Fattahizadeh* , Azita Afrashi

PhD of Al-Zahra University, Tehran, Iran

Professor of Al-Zahra University, Tehran, Iran

Associate Professor of Cultural Studies and Humanities Research Institute,
Tehran, Iran

Abstract

Cognitive semantics is one of the sciences that can be used to better understand the divine word. The study of metaphor is one of the focal points of the semantic-semantic approach. Metaphor is one of the main mechanisms of the process of thinking, which in understanding abstract concepts, It plays an important role, conceptual metaphors are tools for analyzing text and Quranic worldview. Contextual metaphors can be found together with the structure and worldview of the Qur'an and its implications. The present study seeks to apply a conceptual approach to the "practical" application of human beings in the Quran In order to attain its conception of "practice" in the Qur'an as well as the domains of common ground in this conceptualization, the study of the semantic field of "prayer" in the Quran suggests that conceptual metaphors This area systematically leads together with each other into a cognitive model in which, in the shadow, it can be achieved in the realm of metaphor, Nick, it has come to the point that the Qur'an uses the semantic network to structure the audience's mind and create a change in the mindset of the audience. From the sources of origin obtained for the conceptualization of actions in the Quran, one can refer to the areas of medical, object, movement, covering, force, direction, location, light, bird, clothing, food, human, birth and Luggage, litter.

Keywords: Holy Qur'an, conceptual metaphor, good deeds, Movement.

*Corresponding Author

مفهوم‌سازی «اعمال نیک» در قرآن کریم با رویکردی شناختی

فریده امینی^۱، فتحیه فتاحی‌زاده^{۲*}، آرزینا افراشی^۳

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

fa.amini@alzahar.ac.ir

۲- استاد دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

۳- دانشیار زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

a.afrahi.ling@gmail.com

چکیده

مطالعه استعاره در رویکرد معناشناختی جایگاه ویژه‌ای دارد. استعاره عنصر بنیادین در مقوله‌بندی و درک انسان از جهان خارج و از ساز و کارهای اصلی فرایند تفکر است که در درک مفاهیم انتزاعی نقش مهمی دارد. استعاره‌های مفهومی ابزاری برای تحلیل متن و جهان‌بینی متون، خاصه متون دینی به شمار می‌روند. با قراردادن استعاره‌های مفهومی در کنار یکدیگر به ساختار و جهان‌بینی قرآن و اندیشه‌های نهفته در آن چون متنی دینی دست یافته می‌شود. در پژوهش حاضر کوشش شده است با رویکرد شناختی به استعاره‌های مفهومی «اعمال نیک» انسان در قرآن پرداخته شود تا در سایه آن به چگونگی مفهوم‌سازی «اعمال نیک» در قرآن و نیز حوزه‌های مبدأ رایج در این مفهوم‌سازی دست یافته شود. بررسی حوزه معنایی «اعمال نیک» در قرآن نشان می‌دهد استعاره‌های مفهومی این حوزه به صورت نظام‌مند در کنار یکدیگر منتهی به مدل شناختی می‌شود که در پرتو آن علاوه بر دستیابی به استعاره بنیادی «عمل نیک حرکت است»، به این مهم دست یافته می‌شود که قرآن برای نظام‌مند کردن ذهن مخاطب و ایجاد تحول در اندیشه مخاطب از چه شبکه معنایی بهره گرفته است. از حوزه‌های مبدأ به دست آمده برای مفهوم‌سازی اعمال نیک در قرآن به حوزه‌های کار جسمانی، شیء، حرکت، پوشش، نیرو، جهت، مکان، نور، پوشاک، خوراک، انسان، زاد و توشه، بستر اشاره می‌شود.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، معناشناسی شناختی، استعاره مفهومی، اعمال نیک، حرکت.

مقدمه

از میان حوزه‌های معنایی متعدد در قرآن، حوزه معنایی «اعمال نیک» محور پژوهش حاضر است. ضرورت پرداختن به موضوع حاضر به آن دلیل است که اعمال انسان آن چیزی است که پس از مرگ دست‌مایه معیشت او خواهد بود (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۰۱) و اصل داوری در قیامت برای ارائه اعمال انسان (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۹۷) و رسیدگی به آن است. از آنجا که انسان زندگی ابدی در پیش دارد، بسیار مهم است که در این دنیا چگونه عمل می‌کند و چه برای آخرت خویش فراهم می‌آورد؛ از این رو بخش گسترده‌ای از آیات قرآن به «اعمال» انسان پرداخته است. اعمال انسان در قرآن به دو دسته اعمال نیک و بد تقسیم‌شده است، چنانچه اعمال انسان نیک باشد، سعادت در آخرت برایش به ارمغان خواهد آورد و اگر در دنیا در پی اعمال بد باشد در آخرت جزء عذاب نخواهد دید.

هر عمل هم شامل خود عمل است و هم نیتی که زمینه‌ساز آن عمل بوده است که از آن تعبیر به اعمال جارحی و اعمال جانحی شده است. اعمال جارحی اعمالی است بدنی، محدود و گذرا، درحالی‌که اعمال جانحی اعمالی است قلبی، نامحدود و دائمی. معیار در رسیدگی به اعمال و اجر و جزا بُعد قلبی اعمال است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۳۹۷). امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ النَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ» بدانند نیت همان عمل است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶).

در پژوهش حاضر به چگونگی مفهوم‌سازی «اعمال نیک» در قرآن پرداخته شده است و اینکه «اعمال نیک» در قرآن بر مبنای کدام حوزه‌های مبدأ

از ضرورت‌های مهم در پژوهش‌های دینی، به‌کارگیری دانش‌ها و ابزار جدیدی است که در سایه آن دریچه‌ای جدید به فهم متون دینی باز شود. بهره‌گیری از ابزارها و دانش‌های جدید نوعی تدبیر روشمند در آیات الهی و زمینه‌ای برای دستیابی به معانی و نکات نهفته در آیات است. قرآن کریم نیز پیوسته بر تدبیر در آیات تأکید دارد (کتاب انزلناه إِلَيْكَ مُبَارَكًا لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ) (ص، ۲۹).

معناشناسی شناختی از دانش‌هایی است که با بهره‌گیری از آن در فهم بهتر کلام الهی بهره‌برده می‌شود. با مطالعه معناشناسی شناختی آیات، به شبکه‌ای منسجم از معانی دست یافته می‌شود که در آن آیات به کمک یکدیگر تبیین می‌شود و مجموع آیات در کنار یکدیگر ما را به فهم دقیق‌تر خواهد رساند. مطالعه معناشناختی آیات قرآن، نوعی تفسیر قرآن به قرآن به صورت روشمند محسوب می‌شود.

از مباحث مهم در معناشناسی شناختی بحث استعاره‌های مفهومی و اهمیت آن در فهم متون دینی است. متون دینی سرشار از استعاره است و اگر بخواهیم زبان دین را بفهمیم، باید به شیوه استعاری آن توجه کنیم (ریکور^۱، ۱۳۸۶، ص ۸۳). استعاره در زندگی روزمره و نه تنها در زبان، در اندیشه و عمل ما جاری است. نظام مفهومی معمول ما که در چارچوب آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، ماهیتی اساساً استعاری دارد (لیکاف و جانسون^۲، ۱۳۹۵، ص ۱۳).

^۱ P. Ricoeur

^۲ G.Lakoff, M.Jonson

قرآن را بررسی کند؛ از این رو گفته می‌شود پژوهش حاضر فاقد پیشینه بوده و بدیع است.

۱. مروری بر واژه‌های کلیدی

۱-۱. استعاره مفهومی (conceptual metaphor)

از مباحث مهمی که در معناشناسی شناختی به آن پرداخته شده، بحث «استعاره‌های مفهومی» است. «استعاره» در علم بلاغت سنتی از دیرباز توجه دانشمندان مسلمان را جلب کرده است. در لغت مصدر باب استفعال است، از مصدر ثلاثی مجرد العاریه یا العاره به معنای عاریت‌خواستن. کتب لغت عاریت را اینگونه معنا کرده‌اند «رد و بدل شدن چیزی بین دو شخص به صورت امانت‌دادن یا امانت‌گرفتن» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۶۸). معنی اصطلاحی آن نیز بی‌ارتباط با معنای لغوی نیست و آن عبارت است از کاربرد لفظ در غیر معنایی که برای آن وضع شده است، با علاقه مشابهت بین معنای اصلی (وضعی) و معنای مجازی، همراه با قرینه‌ای که ذهن را از اراده معنای اصلی باز می‌دارد و به معنای دیگر (معنای مجازی) می‌کشاند (هاشمی، ۱۴۱۲، ص ۳۱۵).

پیشینیانی چون جاحظ (۲۲۵ق)، ابن‌قتیبه (۲۷۶ق)، مبرد (۲۸۵ق)، ثعلب (۲۹۱ق)، قدامه بن جعفر (۳۳۷ق)، رمائی (۳۸۶ق)، عبدالله بن معتمر (۳۹۶ق)، جرجانی (۴۷۲) و زمخشری (۵۳۸) نظرهای خود را درباره استعاره بیان کرده‌اند.

در استعاره سنتی، استعاره هرگز به معنای بررسی اندیشه گوینده و نویسنده نیست؛ بلکه به معنای بررسی مهارت‌های زبانی و فنون ادبی است؛ اما استعاره مدّ نظر نه چون شکلی از زبان، بلکه چون

ساخته می‌شود، آیا شبکه معنایی به دست آمده قادر است استعاره‌های بنیادی را بازنمایی کند.

پیشتر ذکر شد اعمال انسان به نوعی زمینه حیات اخروی را فراهم می‌کند؛ از این رو به نظر می‌رسد حوزه‌های مبدایی که برای مفهوم‌سازی اعمال نیک به کار گرفته شده‌اند، در حیطة تأمین معیشت انسان باشد، حوزه‌هایی چون کار و فعالیت، خوراک، پوشاک، بستر، حرکت. نکته تأمل برانگیز اینکه اعمال انسان در بستر دنیا شکل می‌گیرند و بی‌شک برای دستیابی به شبکه‌ای منسجم از معانی در حیطة اعمال نیک، استعاره‌های مفهومی «دنیا» اثرگذار است تا در کنار آن به استعاره‌های بنیادی در حوزه اعمال نیک دست یافته شود.

درباره پیشینه پژوهش باید گفت تاکنون پژوهش‌های متعددی در حیطة معناشناسی شناختی و استعاره‌های مفهومی در حیطة زبان قرآن نوشته شده است؛ برای نمونه هوشنگی و یوسفی پرگو ۱۳۸۸ برخی حوزه‌های مبداء در قرآن را بررسی کرده‌اند. پورابراهیم، ۱۳۸۸ استعاره‌های مفهومی در ۱۵ جزء اول قرآن را بررسی کرده است. یگانه، ۱۳۹۰ استعاره‌های مفهومی بهشت و جهنم در قرآن، تورات و انجیل را بررسی کرده است. قائمی‌نیا، ۱۳۹۰ گرایش‌های مختلف در معناشناسی شناختی را بیان کرده و آن را ابزار روشمند در حیطة تفسیر قرآن دانسته است. همو، ۱۳۹۶ برپایه اثر قبل - معناشناسی شناختی - تمرکز خود را بر استعاره‌های مفهومی قرار داده است، او سرشت قرآن و زبان دین را استعاری دانسته و استعاره‌های زبانی قرآن را تجلی استعاره‌های مفهومی آن قلمداد کرده است. در این میان اثری یافت نشد که منحصرأ استعاره‌های مفهومی حوزه اعمال نیک در

ویژگی اصلی تفکر بشری مد نظر قرار گرفته است (رک: قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۱).

نظریه معاصر استعاره را مایکل ردی^۱ برای نخستین بار در اواخر دهه ۱۹۷۰، یعنی هم‌زمان با تولد زبان‌شناسی شناختی مطرح کرد. ردی نشان داد جایگاه استعاره اندیشه است و نه زبان. استعاره بخشی مهم و جدایی‌ناپذیر از شیوه متعارف و معمول مفهوم‌سازی جهان به دست ماست و رفتار روزمره ما بازتاب درک استعاری ما از تجربه است (لیکاف، ۱۹۹۲، ص ۱۹۸). سامانه مفهوم‌سازی ذهنی که براساس آن می‌اندیشیم و عمل می‌کنیم، اساساً استعاری عمل می‌کند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵، ص ۱۴).

استعاره مفهومی، فهم و درک مفاهیم انتزاعی را بر مبنای مفاهیم عینی و مادی امکان‌پذیر می‌کند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵، ص ۲۰۴). مهم‌ترین کارکرد شناختی استعاره فراهم ساختن درک مفهومی انتزاعی با مفهومی ملموس‌تر است (کووچش^۲، ۱۳۹۳، ص ۲۰). در مطالعات سنتی به استعاره‌ها چون ابزار تحلیل متن و جهان‌بینی قرآن نگریسته نشده است. نگاه آنها درباره استعاره‌های قرآنی نظام‌مند نبوده و استعاره‌ها به صورت تک‌تک تحلیل شده است. بدین ترتیب استعاره‌های قرآن را به صورت استعاره‌های منفرد و غیر نظام‌مند می‌دیدند یا دست‌کم به نظام‌مندی آن توجه نداشتند.

نگاه مفهومی به استعاره‌های قرآن نه با فصاحت و بلاغت قرآن بلکه با ساختار و جهان‌بینی این متن آسمانی و اندیشه‌هایی که درون آن نهفته است سروکار دارد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۲۶-۲۷).

مهم‌ترین رکن استعاره مفهومی، نگاشت (map) است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان‌شناسی وارد شده است و به تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان حوزه‌های مفهومی مبدأ و مقصد وجود دارد؛ برای نمونه الگوی ثابت [زندگی سفر است] «نام‌نگاشت» و مجموعه تناظرهای موجود بین زندگی و سفر را «نگاشت» می‌دانند، نام‌نگاشت بازنمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است (افراشی، ۱۳۹۵، ص ۶۸).

۱-۲. حوزه مبدأ (domain source) و حوزه مقصد (domain target)

هر استعاره شامل دو حوزه مفهومی می‌شود که در آن یک حوزه براساس حوزه دیگر درک می‌شود. حوزه مبدأ، حوزه‌ای است که عبارت‌های استعاری براساس آن ساخته می‌شوند تا حوزه دیگر بهتر درک شود و حوزه مفهومی که به این شکل درک می‌شود، حوزه مقصد نامیده می‌شود (کووچش، ۱۳۹۳، ص ۱۵)؛ برای مثال دانش ما از سفر به درک ما از مفهوم انتزاعی «دنیا» کمک می‌کند. کووچش می‌افزاید هنگامی که بخواهیم مفهومی را بهتر درک کنیم، بهتر است از مفهومی عینی‌تر، مادی‌تر و یا ملموس‌تر از مفهوم نخست استفاده کنیم. استعاره‌های مفهومی نوعاً مفهومی انتزاعی‌تر را چون مقصد و مفهومی مادی‌تر و عینی‌تر برای مبدأ به کار می‌گیرند (کووچش، ۱۳۹۳، ص ۲۰). درحقیقت تجربه‌های ما از جهان فیزیکی مبنایی منطقی برای درک قلمروهای انتزاعی‌تر محسوب می‌شود. پیشتر گفته شد که استعاره‌ها نگاشت‌اند؛ یعنی مجموعه‌ای از تناظرها یا مطابقت‌های مفهومی میان دو قلمرو

¹ M.Reddy

² Z. Kovecses

مصطفوی بر این عقیده است که به تحقق فعل در خارج «عمل» گفته می‌شود. به عبارت دیگر، به تحقق حالات باطنی با قصد و اختیار در خارج «عمل» اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۲۷۳). برخی اصل «عَمَل» در لغت را «دوؤب» به معنای کوشش و نیز خسته‌شدن در کار ذکر کرده‌اند (عسکری، ۱۴۱۸، ص ۱۲۷).

اما [فِعْل]، در لغت به معنای انجام دادن (کار) است. وقوع خارجی فعل را عمل گویند. فعل فی‌نفسه متصف به مدح و ذم نیست؛ بلکه تابع خصوصیات متعلق خویش است تا فعل معروف یا فعل منکر شناخته شود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۹، ص ۱۲۷).

«عمل» اخص از «فعل» است؛ زیرا «فعل» گاهی درباره حیوانات و جمادات نیز به کار می‌رود؛ درحالی‌که واژه «عمل» درباره انسان و ناشی از قصد و اراده اوست. همچنین آنچه سبب تمایز فعل از عمل می‌شود، مؤلفه قصد و اراده‌ای است که در عمل وجود دارد.

در قرآن هر عمل و فعلی تابع خصوصیتی است، واژه‌هایی چون صالح، خیر، حسن و برّ از توصیفاتی است که درباره عمل نیک به کار رفته است. در نوشتار حاضر و ذیل استعاره‌های مرتبط این اوصاف و تمایزهای معنایی آنها بررسی می‌شود.

آنچه در ادامه بررسی می‌شود نام‌نگاشت‌های حاصل از بررسی آیات حوزه اعمال نیک در قرآن است. نام‌نگاشت‌های به دست آمده براساس بسامد تکرار تنظیم شده است:

مفهومی. پس استعاره نگاشت از قلمرو مبدأ بر قلمرو مقصد است.

آنچه تأمل برانگیز است و می‌بایست در تمایز میان اعمال نیک و بد به آن دقت شود، آن است که براساس نظریه NSM (Natural Semantic Metalingual) فرازبان طبیعی^۱، نیک و بد و تمایز قائل شدن میان این دو مفهوم در زبان‌های نوع بشر همگانی است و به بیان دیگر مفهومی درک‌پذیر از سوی نوع انسان است (ریمر^۲، ۲۰۱۰، ص ۱۷۱).

۲- مفهوم‌سازی اعمال نیک در قرآن کریم

در پژوهش حاضر برای استخراج مفاهیم استعاری حوزه «اعمال» از نرم‌افزار جامع‌التفاسیر استفاده شده است. مبنای گزینش آیات، کلیدواژه مدّ نظر در حوزه اعمال انسان است، پس از آن به منابع لغوی و تفاسیر با رویکرد قرآن به قرآن و ادبی مراجعه شد و در نهایت با شکل‌گیری شبکه معنایی از استعاره‌های مفهومی در حوزه اعمال نیک به جهان‌بینی قرآن در حیطه اعمال نیک دست یافته شد. دو واژه «عمل» و «فعل» از کلیدواژه‌های مهم در حیطه اعمال به شمار می‌آیند:

[عَمَل]، هر فعل و کاری که با قصد از انسان سرزند را گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۷).

^۱ رویکرد فرازبان معنایی طبیعی، رویکردی تجزیه‌پذیر در معنی‌شناسی واژگانی برای تحلیل معنا است که آنا ویرزبیکا آن را مطرح کرد و تاکنون درباره بیش از ۳۰ زبان در سراسر جهان به کار رفته است. ادعا این است که هسته کوچکی از معانی جهانی و اساسی به نام نخستین‌های معنایی وجود دارد که از راه واژه‌ها یا دیگر عبارات زبانی در همه زبان‌ها بیان‌شدنی است و چون ابزاری برای تحلیل معانی واژه‌های پیچیده زبان به کار می‌رود (سجادی، ۱۳۹۳، ص ۹۵). از جمله این معانی جهانی به خوب و بد، مقدار، حرکت، زمان، جهت، انسان، کار و فعالیت، کلمه، مکان و ... اشاره می‌شود (رک: ریمر ۲۰۱۰، ص ۱۷۱).

^۲ N. Riemer

۲- ۱. عمل نیک، به مثابه کار جسمانی

از حوزه‌های مبدأ کلیدی برای مفهوم‌سازی «عمل نیک» در قرآن، حوزه «کار و فعالیت جسمانی» است، آنچه مؤید این نام‌نگاشت است با هم‌آیی واژه‌های «اجر» و «عمل صالح» در نوزده آیه با یکدیگر است؛ برای نمونه (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (البقره، ۶۲) (رک: المائده، ۹، الکهف، ۲، الاحزاب، ۳۱). [اجر] در لغت به معنای اجرت، دستمزد و حقوقی است که در مقابل کار پرداخت می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۴۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۲). در آیات مزبور انسان به مثابه کارگزاری مفهوم‌سازی شده است که در برابر کاری که انجام می‌دهد، دستمزد دریافت می‌کند.

از مؤلفه‌های مفهومی حوزه مبدأ «کار» است، به جایی که انسان کار می‌کند، کارفرما، نوع کاری که انسان انجام می‌دهد، دستمزد دریافت‌شده در قبال کار اشاره می‌شود که همه ارجاع‌دانی به حوزه مقصد «عمل» است. در قرآن زندگی دنیا به مثابه مکانی مفهوم‌سازی شده است که در آن به تجارت (البقره ۱۶، آل عمران ۱۷۷) و زراعت (الشوری ۲۰) پرداخته می‌شود، از این آیات نام‌نگاشت‌های [دنیا تجارت‌خانه است]، [دنیا مزرعه است] برداشت می‌شود و نام‌نگاشت [عمل نیک کار جسمانی است] نیز با استعاره‌های مفهومی مزبور در ارتباط است. همچنین انسان در دنیا کارگزار خدا یا شیطان است و به عبارت دیگر انسان مختار است در دنیا خدا یا شیطان را برای کارفرما انتخاب کند و تحت امرشان باشد که

نام‌نگاشت [انسان کارگزار است]، [خدا کارفرما است] را به ذهن متبادر می‌کند. مؤید نام‌نگاشت [خدا کارفرما است] واژه «وفی» است که در لغت به معنای پرداخت کردن حق کسی به‌طور کامل و تمام است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۳۰). حق تعالی در روز قیامت مزد و اجر همه اعمال نیک و بد را به‌صورت کامل و تمام پرداخت خواهد کرد (كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَمَا تُؤْفَوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (آل عمران، ۱۸۵). همچنین مؤید نام‌نگاشت [انسان کارگزار است] واژه عامل است (أَنْتَى لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى) (آل عمران، ۱۹۵)، «عامل» در لغت به معنای کارگزار ذکر شده است و کسی که با دست کاری را انجام می‌دهد (بستانی، ۱۳۷۰، ص ۶۱). انسان کارگزاری است که در دنیا برای رسیدن به اجر و مزد شایسته عملش تلاش می‌کند. به هر عمل نیکی اجر تعلق خواهد گرفت؛ اما اجر عملی که با ایمان و با آگاهی و علم انجام شده است، از دوام و ثبات برخوردار خواهد بود.

از اوصافی که برای عمل نیک در قرآن ذکر شده است، وصف «صالح» است. صالح از ریشه [صلح] در مقابل فساد است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۱۶) و درباره ذات، اندیشه و عمل به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۶، ص ۳۲۲) و بیشترین کاربرد آن درباره «عمل» است، فساد در لغت عبارت است از تباهی (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۶، ص ۶۳۶). از منظر قرآن «عمل صالح»، عملی است در چارچوب اوامر الهی، همگام با سنت‌های حاکم بر جهان آفرینش، مقبول طبع مؤمن، عقل و شریعت و در راستای تزکیه انسان است. همراهی ایمان و عمل صالح در قرآن نشان‌دهنده آن است که از منظر الهی

[عمل شیء است که با خود آورده می‌شود] برداشت شدنی است.

در قرآن عمل نیک انفاق مال در راه خدا (البقره، ۲۶۱) و زیرمجموعه‌های آن یعنی قرض دادن به نیازمند (البقره ۲۴۵، التغبان ۱۸)، پرداخت زکات و صدقه‌دادن (الحدید، ۱۸) در زمره اعمال نیکی است که با تعبیر «یضاعف» به معنای افزودن شیء به مثل خود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۶۲) دو برابر یا بیشترکردن چیزی (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۳۲) ذکر شده است. در این آیات اعمال انسان به‌مثابه شیء اندازه‌گیری شونده، مفهوم‌سازی شده است که بر آن افزوده می‌شود.

مفهوم دیگری که در قرآن بر عمل نیک دلالت می‌کند، مفهوم «خیر» است. این مفهوم در مقابل شر و به معنای چیزی است که انتخاب شده و مرغوب است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۷۶).

در برخی از آیات قرآن، اعمال انسان به‌مثابه کالا و اندوخته‌ای در نظر گرفته شده است که سوی مقصدی پیش فرستاده می‌شود (ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ) (البقره، ۱۱۰) (المزمل، ۲۰). منظور از تعبیر «ماقدم» در این آیات اعمال نیکی است که پیش فرستاده و تقدیم می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ج ۱، ص ۲۲۸ و ج ۱۹، ص ۲۱۷).

نام‌نگاشت [عمل شیء اندازه‌گیری شونده است]، آیات این بخش را به دسته‌ای دیگر از آیات قرآن مرتبط می‌کند که به حساب‌رسی و ارزش‌گذاری اعمال انسان در قرآن می‌پردازد، در هشت آیه از آیات قرآن به اندازه‌گیری عمل انسان با «میزان» اشاره شده است. میزان از [وزن] در اصل به معنای اندازه‌گیری سبکی و سنگینی شیء و تعیین مقدار آن که در امور

عملی مقبول است که نشأت گرفته از ایمان و اعتقاد حقیقی به توحید، معاد و نبوت و خالص باشد (رک: اکبری‌راد، ۱۳۸۷، ص ۳۹-۶۰). همچنین ترکیب «عملوا الصالحات» و کاربرد عمل به‌صورت فعل ماضی که بر ثبات و دوام دلالت دارد، به این امر اشاره می‌کند.

۲-۲. عمل نیک، به‌مثابه شیء

حوزه مبدأ شیء از پربسامدترین حوزه‌هایی است که برای مفهوم‌سازی اعمال در قرآن از آن بهره گرفته شده است. در قرآن با نام‌نگاشت‌های [عمل نیک شیء اندازه‌گیری شدنی است]، [عمل نیک شیء است که انسان با خود حمل می‌کند]، [عمل نیک شیء است که پیش فرستاده می‌شود] مواجهیم.

در آیه ۱۶۰ سوره انعام (مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَلِهَا) و نیز (القصص ۸۴، النمل ۸۹) از وصف «حسنة» برای عمل نیک بهره گرفته شده است. این واژه از ریشه [حسن] و در مقابل سیئی و قبیح قرار دارد و به معنای زیبایی و نکویی آمده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۵۹؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۳۵). تعابیر حسنه و حسنات در قرآن تنها و بدون همراهی با عمل و فعل به کار رفته‌اند و نیز شاهد با هم‌آیی ترکیب ایمان و عمل حسن نیستیم. این مطلب نشان‌دهنده آن است که تعابیر حسنة/حسنات کاربردهای عام‌تری نسبت به عمل صالح دارند.

باهم‌آیی جاء و حسنة در آیات مزبور، عمل نیک را به‌مثابه شیئی مفهوم‌سازی می‌کند که انسان با خود حمل می‌کند؛ از این رو از آیات مزبور نام‌نگاشت

مادی و معنوی کاربرد دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۱۶۰). خدا در آیه ۴۷ سوره انبیاء می‌فرماید (وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ).

پس از طرح بحث کلی «میزان» در قیامت با دو گروه از آیات مواجه هستیم که اعمال انسان را پس از سنجیدن و ارزش‌گذاری تصویرسازی می‌کند، گروه نخست، آیاتی که دلالت بر سنگین بودن اعمال دارند؛ برای نمونه (وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (الاعراف: ۸) (المؤمنون ۱۰۲، القارعه ۶-۷). گروه دوم آیاتی که دلالت بر سبک بودن اعمال دارند (المؤمنون ۱۰۳).

در سوره اعراف «حق» چون وزنه‌ای معرفی شده است که اعمال با آن سنجیده می‌شود. تعبیر مزبور استعاره از ارزش‌گذاری اعمال انسان است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۳). هر اندازه اعمال نیک انسان مشتمل بر حق باشد، به همان میزان از ارزش و اعتبار برخوردار است. در آیات مزبور علاوه بر نام‌نگاشت [عمل نیک، شیء اندازه‌گیری شونده است]، شاهد نام‌نگاشت [عمل نیک، سنگین است] نیز هستیم.

۲-۳. عمل نیک، به مثابه حرکت

حرکت حوزه مبدأ دیگری است که قرآن برای مفهوم‌سازی اعمال نیک از آن بهره گرفته است. در برخی از آیات قرآن برای بیان این مهم که انسان در آخرت با اعمالش روبرو خواهد شد و اعمالش را به یاد خواهد آورد، از تعبیر «سعی» بهره گرفته شده است. [سعی] را تند راه‌رفتن آرام‌تر از دویدن می‌گویند و به‌طور استعاره در جدیت و کوشش در

کار کاربرد دارد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۱۱). ابن عاشور علاوه بر در نظر گرفتن مثنی سریع برای سعی، معنای تلاش در کسب و کار را نیز بیان کرده است (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۲). انسان مالک اعمال خویش (وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (النازعات، ۳۵) است، لام در «لانسان» لام مالکیت حقیقی است نه مالکیت اعتباری؛ به این معنا که انسان مالک حقیقی اعمال خویش است، مادامی که انسان هست عملش نیز هست و هرگز از انسان جدا نخواهد شد و در سرای آخرت نیز تمام اعمال انسان چه نیک و چه بد همراه اوست (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۴۶-۴۷).

قرآن کریم از حوزه سفر و مؤلفه‌های مفهومی آن چون، مقصد، مسافر و... برای مفهوم‌سازی زندگی، آخرت/ خدا و انسان ... بهره گرفته است (إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (البقره، ۱۵۶)، (إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (هود، ۴). «حرکت» دیگر مؤلفه مفهومی سفر است که در قرآن کریم، برای مفهوم‌سازی اعمال به کار گرفته شده است.

از دیگر نام‌نگاشت‌هایی که در قرآن برای مفهوم‌سازی «عمل نیک» به کار رفته است و ذیل بررسی «سعی» به آن دست یافتیم، به نام‌نگاشت [عمل نیک نوراست] اشاره می‌شود. در آیه ۱۲ سوره حدید (يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ) سخن از زنان و مردان مؤمنی است که روز قیامت نورشان پیشاپیش و سمت راست آنها شتابان در حرکت است، به مقصدی حقیقی که از ابتدا در آن گام نهاده‌اند، مراد از نوری که سمت راست انسان مؤمن در حرکت است، عمل نیک انسان است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۷۵؛ طباطبائی،

در بیشتر کاربردهای «تکفیر» در قرآن واژه «سیئه» متعلق آن قرار گرفته است، «سیئه» از ریشه [سوء] و جمع آن «سینات» است و به هر کار ثابت و متصف‌شونده بدی در آن اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۰۷).

در آیات قرآن اعمال صالح (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ) (العنکبوت، ۷)، توبه نصوح (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ) (التحریم، ۸)، تقوا (ذَلِكُمْ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا) (الطلاق، ۵)، هجرت و جهاد در راه خدا (فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ) (آل عمران، ۱۹۵) و درنهایت اعمالی چون بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، پرداخت صدقه در نهان و آشکار، ایمان به پیامبران و یاری آنها در امر دین از جمله اعمال نیکی است که تکفیر سینات را با خود به همراه دارد که در آیه ۲۷۱ سوره بقره و آیه ۱۲ سوره مائده به آن اشاره شده است.

بیشتر ذکر شد، از توصیفاتی که در قرآن درباره عمل نیک به کار رفته است، تعبیر «خیر» است. «خیر» در قرآن، در اکثر نمونه‌هایی که در معنای عمل نیک به کار رفته، با «فعل» همراه شده است (البقره ۱۹۷، الانبیاء ۷۳، الحج ۷۷). همان‌گونه که در تفاوت عمل و فعل ذکر شد، «فعل» از کاربرد عام‌تری نسبت به «عمل» برخوردار است و گفته می‌شود عمل خیر نیز از عمل صالح تعبیر عام‌تری است.

در آیه (وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوا وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ) (آل عمران، ۱۱۵) با هم‌آیی خیر و یکفروه، نشان‌دهنده آن است که عمل نیک به‌مثابه

۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۳۶) و مراد از نوری که پیشاپیش آنها در حرکت است، نور ایمانشان است (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۰۵). گویی عمل نیک به‌مثابه نوری است که مسیر را برای انسان روشن می‌کند و انسان با آن در مسیر صحیح و به مقصد حقیقی گام بر می‌دارد. مشابه آنچه در آیه ۱۲ سوره حدید ذکر شده است، در سوره تحریم نیز اشاره شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نام‌نگاشت [عمل نیک نور است] با نام‌نگاشت‌های [زندگی سفر است]، [عمل نیک حرکت است] در ارتباط است.

۴-۲. عمل نیک، به‌مثابه پوشاندگی

از جمله نام‌نگاشت‌هایی که برای عمل صالح در قرآن برداشت می‌شود، نام‌نگاشت [عمل نیک، پوشاننده است] است. با هم‌آیی «تکفیر» و «سینات» در این آیات مؤید این نام‌نگاشت است.

واژه «تکفیر» از ریشه [کفر] اصل آن معنای ستر و پوشاندن ذکر شده است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۱). «تکفیر» پوشاندن و پنهان‌داشتن است، تا اینکه به‌منزله چیزی درآید که گویی تحقق نیافته است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۱۷). صاحب‌التحقیق آن را رد و اعتنان‌کردن به چیزی معنا کرده است که آثار این بی‌اعتنایی، محو و پوشاندن آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۸۸). «تکفیر» در اصطلاح طاعتی است که سبب محو شدن و پوشاندن گناهان می‌شود (سبحانی، ۱۴۱۸، ص ۶۶۳). همچنین در علم کلام «تکفیر»، به معنای از میان رفتن مجازات اعمال سیئه با اعمال نیک است (طیاری‌دهاقانی، ۱۳۸۰، ص ۲۰-۳۵).

، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۳۵). این با هم‌آیی نیز نام‌نگاشت [عمل نیک نیرو است] را به ذهن متبادر می‌کند.

۶-۲. عمل نیک، به‌مثابه کلمه

در بررسی صورت‌گرفته پیرامون حوزه اعمال نیک با دسته دیگری از آیات، سخن از کتابی است که حاوی اعمال نیک/بد انسان‌هاست. واژه کتاب از ماده [کتب] است و در معنای آن دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد: برخی [کتب] را به معنای جمع و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر دانسته‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۵۸). اطلاق کتاب بر نوشتن از این باب است که در نوشتن و نوشته حروف با هم جمع می‌شوند و در کنار هم قرار می‌گیرند و کتابت به نوعی به نظم در آوردن کلمات است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۹۹) و در مفهوم آن آشکارشدن و تثبیت نهفته است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۲۱). وجه مشترک در تعاریف ذکرشده در کنار هم قرار دادن و نظم دادن در این ماده است؛ ازاین‌رو گفته می‌شود کتابت به نظم در آوردن است. به نظر می‌رسد اطلاق کتاب بر مجموعه اعمال انسان از آن‌روست که با کتابت اعمال مجموعه اعمالی که انسان در این دنیا انجام داده است، به صورت منظم و منسجم گرد هم آمده و در قیامت براساس مجموعه آنچه انجام داده است، از جانب حق تعالی داوری خواهد شد.

کلمه را به سبب «اثرگذاری» و «گزارشگری» آن، کلمه گفته‌اند. پس کلمه آن است که نهان و ضمیر را آشکار کند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۱۰۷). «کلمه» معنای جامعی دارد که هم بر لفظ معنادار و هم بر عین خارجی اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶۹).

شیئی در نظر گرفته شده است که پوشانده نمی‌شود؛ به عبارت دیگر عمل نیک انسان نادیده و مغفول نخواهد ماند.

۵-۲. عمل نیک، به‌مثابه نیرو

از دیگر نام‌نگاشت‌هایی که برای عمل نیک در قرآن برداشت‌شدنی است، نام‌نگاشت [عمل نیک نیرو است] است، با هم‌آیی ریشه‌های فعلی «ذهب»، «درء» با حسنات و احسن این نام‌نگاشت را به ذهن متبادر می‌کند. کاربرد این با هم‌آیی در آیاتی از قرآن بررسی می‌شود:

یذهبن از ریشه [ذهب] به معنای رفتن است، یذهبن (باب إفعال) به این معناست که او را می‌برد. این ریشه در اجسام و معانی هر دو به کار می‌رود (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۱). آنچه در ذهاب توجه برانگیز است، پشت کردن و حرکت کردن است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۳۶۵). درباره آیه (وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَرِزْقًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ) (هود، ۱۴) گفته می‌شود نماز چون عملی نیک در دل‌های مؤمنان وارد شده و آثار معصیت و تیرگی‌های کسب‌شده در دل‌هایشان از ناحیه سیئات از بین می‌برد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۱، ص ۵۸)؛ ازاین‌رو نام‌نگاشت [عمل نیک نیرو است] برداشت می‌شود.

همچنین در آیات ۲۲ سوره رعد و ۵۴ سوره قصص شاهد عبارت (يَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ) هستیم. یذرون از ماده [درء] در لغت به معنای دفع کردن ذکر شده است؛ دفع‌کردنی که باشدت و به‌سبب مخالفت و خصومت با دفع‌شونده صورت می‌گیرد (مصطفوی

پایین قرار دارد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۲)، منظور رفعت و بالا بدون توجه به پایین است و اقتدار و زائل شدن در آن نهفته است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۲۶۰) و تعبیر «علیون» نشان‌دهنده بالابودن درجات ابرار و نزدیکی آنان به حق تعالی است. در آیات مزبور کتاب اعمال ابرار به مثابه مکانی در بالا است که زوال‌ناپذیر است [اعمال نیک مکانی مرتفع است]، تصویرسازی شده است.

«بر» از توصیفاتی است که درباره اعمال نیک به کار رفته است. «بر» در لغت به معنای نیکی گسترده است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۱۴). در آیه ۱۱۷ سوره بقره به مجموع ایمان و اعمال صالح که به برخی از آنها در آیه اشاره شده، «بر» اطلاق شده است و کاربرد «بر» به صورت مصدر نشان‌دهنده تأکید بر عمل نیک است. گویی فرد در عمل نیک غرق شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۹۸). «بر» عمل نیکی است که با توجه و از قصد و اختیار انجام شود، توجه و قصد وجه تفاوت «بر» با «خیر» است؛ زیرا خیر به هر نوع نیکی حتی بدون توجه اطلاق می‌شود (عسکری، ۱۴۱۸، ص ۱۶۴).

از مصادیق «بر» به ایمان به خدا، ایمان به روز جزا و انبیاء پیشین، انفاق مال، بر پا داشتن نماز، وفای به عهد و بردباری اشاره می‌شود (البقره، ۱۷۷). همچنین در آیه ۹۲ سوره آل عمران می‌فرماید: (لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ) با هم‌آیی «بر» و «تنالوا» نام‌نگاشت [عمل نیک مکان است] را به ذهن متبادر می‌کند، تنالوا از [نیل] به معنای رسیدن یا دست یافتن به چیزی است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۲، ص ۳۴۳؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲۹). آیه و نام‌نگاشت مزبور به نوعی در ارتباط با آیاتی است که

همان‌گونه که در معنای «کلمه» ذکر شد، کلمه آن است که نهان و ضمیر را آشکار می‌کند، همان‌گونه که اعمال انسان، نیت و اعتقادات او را آشکار می‌کند؛ از این رو دیگر نام‌نگاشت به دست آمده در حوزه اعمال نیک [عمل کلمه است] خواهد بود.

در دسته دیگر از آیات در قیامت از مردم خواسته می‌شود تا سوی کتابشان بروند (وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا) (الجاثیه، ۲۸) از آیه مزبور نام‌نگاشت [مجموعه اعمال، مقصد (مکان) است] برداشت می‌شود. مؤید نام‌نگاشت مزبور حرف اضافه «الی» است که دلالت بر انتهای زمان یا مکان می‌کند. همچنین اشاره شده است کسانی که عمل نیک انجام داده‌اند، کتاب اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود (الاسراء، ۷۱، الحاقه ۱۹، الانشقاق ۷). در این دسته از آیات شاهد استعاره‌های جهتی هستیم؛ استعاره‌های جهتی با مفاهیمی که نشان‌دهنده جهت و موقعیت مکانی است در ارتباط‌اند (افراشی و حسامی، ۱۳۹۱، ص ۸).

یمین از [یمین] اصل ماده آن به معنای خیر و برکت همراه با زیادت است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۴، ص ۵۹). همچنین یمین به معنای طرف راست، دست راست نیز ذکر شده است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۹۳). کسانی که کتاب اعمالشان به دست راستشان داده می‌شود، افرادی‌اند که به شهادت سیاق آیات سرانجام آنها بهشت رحمت الهی و سعادت است؛ از این رو در آیات مزبور شاهد نام‌نگاشت [عمل نیک راست است] خواهیم بود.

در آیه ۱۸ سوره مطفین می‌فرماید: کتاب اعمال ابرار در «علیین» قرار دارد (كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ)، علیین از ماده [علو] در مقابل سفلی به معنای

مِمَّا عَمِلُوا وَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) (الاحقاف، ۱۹).

درجه از ماده [درج] به معنای حرکت دقیق، با احتیاط، تدریجی و گام به گام، در مفهوم بالارفتن چه از حیث مادی و چه از حیث معنوی ملحوظ است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۲۱۱). انسان با عملش گام به گام به سمت مقصد برگزیده حرکت می‌کند، حال چنانچه عمل انجام‌دهنده نیک باشد، عملش به‌مثابه پله‌ای برای صعود خواهد شد.

نام‌نگاشت [عمل نیک حرکت است] به نوعی با نام‌نگاشت مزبور در ارتباط است و مؤلفه مفهومی حرکت صعودی و گام به گام را به حرکت می‌افزاید. حال هر فرد به میزان حرکت صعودی که در راستای رسیدن به مقصد برداشته است، به همان میزان به موقعیت مکانی بالاتر یا به عبارتی برتر دست می‌یابد.

۲-۸. عمل نیک، به‌مثابه بذر

نام‌نگاشت [عمل دانه/بذر است] دیگر نام‌نگاشتی است که از آیات قرآنی برداشت می‌شود. در آیات ۴۷ سوره انبیا (وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ) و ۱۶ سوره لقمان (يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ) می‌فرماید: چنانکه عمل انسان به اندازه دانه خردل باشد، باز محاسبه می‌شود، «حَبَّة» در لغت اسم جنس برای گندم به کار برده شده است؛ اما در کل به بذر و دانه‌ای گفته می‌شود که در خوشه یا غلاف باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۱۷۷). «خردل» مطلق دانه‌های ریز را خردل گویند یا دانه‌ای که در فارسی به آن اسپند گفته می‌شود. در آیه مزبور شاید مراد از (حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ)

مجموعه اعمال ابرار را در مکانی بلند و مرتفع مفهوم‌سازی می‌کنند، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود به سبب ارتباط مفهومی دو نام‌نگاشت، مؤلفه مفهومی بلند و مرتفع به مکان اضافه شده است و در میان اعمال نیک، «بر» را در جایگاهی مرتفع قرار می‌دهد.

باتوجه به سیاق آیات سوره مطففین مراد از علین کتابی است که مقربان الهی شاهد بر آنند (وَمَا أَذْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ. كِتَابٌ مَرْقُومٌ. يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ) (المطففين، ۲۰-۲۱)؛ به عبارتی مقربان شاهد بر اعمال ابرار ذکر شده است و این نشان‌دهنده آن است که مقربان با اعمال خویش در درجات بالاتری نسبت به ابرار قرار دارند؛ ازاین‌رو نام‌نگاشت [اعمال نیک سلسله‌مراتب است] برداشت می‌شود.

بالا و پایین از جهت‌هایی است که در قرآن کریم برای مفهوم‌سازی مفاهیم انتزاعی از آن بهره گرفته شده است. در زبان قرآن کریم آنچه مطلوب و با ارزش است، نسبت به آنچه فاقد ارزش و نامطلوب است، در مرتبه مکانی بالاتری مفهوم‌سازی شده است. در آیات مزبور اعمال نیک در مکانی مرتفع مفهوم‌سازی شده است که نشان‌دهنده با ارزش و مطلوب بودن این عمل است، همچنین جایگاه ابرار و مقربان نیز در مکانی بالا مفهوم‌سازی شده است که نشان‌دهنده منزلت ایشان است.

۲-۷. عمل نیک به‌مثابه پلکان

پلکان/نردبان حوزه مبدأ دیگری است که برای مفهوم‌سازی عمل نیک از آن بهره گرفته شده است. با هم‌آیی «عمل» و «درجه» این نام‌نگاشت را به ذهن متبادر می‌کند (وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ) (الانعام، ۱۳۲)؛ (وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ

بیرون کند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۷۰-۷۱). لباس در آیات مزبور به معنای ستر و پوشاندنی است که بدن را حفظ می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۱۷۸)، از آنجا که تقوا در زمره اعمال نیک در قرآن محسوب می‌شود، نام‌نگاشت [عمل پوشاک است] از آیه مزبور برداشت می‌شود. از دیگر واژگانی که در قرآن برای پوشش به کار رفته است، واژه «ثیاب» است. این واژه از ماده «ثوب» به معنای رجوع و بازگشت است، لباس را به آن دلیل «ثوب» می‌گویند که مواد خام رشته‌شده به حالتی که مقصود اصلی از بافتن است (جامه) باز می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۵۳۸). انسان با تاروپود اعمال خویش پارچه خود را می‌بافد و اگر اعمال نیک باشند، تاروپود پارچه و لباسش از خیر است و اگر اعمال سیئه باشد، تاروپود آن از شر خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲۳، ص ۱۸۸)، براین اساس در وصف نعمت‌های بهشتی و در توصیف لباس بهشتیان، آنها را از «حریر» (الحج، ۲۳) «سندس» (الکهف، ۳۱) و «استبرق» (الدخان، ۵۳) یاد می‌کند و همه را از اعمال نیک ایشان می‌داند.

۲-۱۰. عمل نیک، به مثابه خوراک

اعمال انسان جاویدان‌اند و خوراک‌های بهشت یا جهنم به نوعی ظهور همین اعمال است؛ از این رو زمانی که خوراک‌های بهشت و جهنم بررسی می‌شود، به این مطلب دست یافته می‌شود که خوراک مد نظر در واقع همان اعمال افراد است که در این دنیا انجام داده‌اند و آن روز به صورت خوراک اعم از غذا، میوه یا نوشیدنی و ... دیده می‌شوند. برای نمونه در آیات (كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (الطور، ۱۹) (كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ)

دانه خردل و یا مراد وزن دانه به سبکی وزن خردل باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۴۴). در مجموع گفته می‌شود مراد از (حَبَّةٌ مِّنْ خَرْدَلٍ) مبالغه در دقت میزان را می‌رساند که کوچک‌ترین ذره‌ای که به چشم نمی‌آید، در روز قیامت سنجش می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۹۲).

نام‌نگاشت مزبور به نوعی مرتبط با نام‌نگاشت‌های [عمل کار جسمانی است]، [دنیا مزرعه است]، در مزرعه دنیا، انسان به نوعی افشاننده بذر عمل خویش است و محصول این مزرعه هرچند ناچیز ارزش‌گذاری می‌شود.

۲-۹. عمل نیک، به مثابه پوشاک

عمل انسان در دنیا اسباب معیشت وی در سرای آخرت را فراهم می‌کند. از اسباب اولیه معیشت انسان در این دنیا به خوراک، پوشاک اشاره می‌شود. حوزه پوشاک از حوزه‌های مبدایی است که حوزه انتزاعی اعمال را مفهوم‌سازی می‌کند، مؤید آن آیات ۲۶ و ۲۷ سوره اعراف است (يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِّنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ. يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ)، در این آیات پس از سخن درباره لباس ظاهر به لباس باطن می‌پردازد که سیئات باطنی انسان را می‌پوشاند و انسان را از اعمال سیئی باز می‌دارد. قرآن تقوا را بهترین لباس برای پوشش انسان معرفی کرده است، همچنین در آیه بعد می‌فرماید: مبادا شیطان لباس تقوا را از تن شما

داشته است و روز قیامت برای صاحبانش اظهار می‌دارد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۵۶).

عمل انسان زنده‌است، در آخرت نزد او حاضر است، البته اینگونه نیست که عمل خود به خود حاضر باشد، بلکه آن را حاضر می‌کنند: (يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا)، چنانکه عامل را حاضر می‌کنند: (إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيِّحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُّحْضَرُونَ) (یس، ۵۳)، احضار نسبت به حضور، تعبیری تند است و تعبیر در آیه ۴۹ سوره کهف (وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا) ملایم‌تر است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۴۷۸).

۲ - ۱۲. عمل نیک، به‌مثابه زاد و توشه

بیشتر ذکر شد در فرهنگ قرآن انسان مسافری به مقصد الهی است (الانشقاق ۶). مسافر برای طی سفر نیازمند زاد و توشه است، از منظر قرآن بهترین توشه برای طی این سفر، عمل صالح تقوا است (وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى) (البقره، ۱۹۷) از آیه مزبور نام‌نگاشت [عمل نیک زاد و توشه است] به ذهن متبادر می‌شود.

۲ - ۱۳. عمل نیک، به‌مثابه بستر

از نام‌نگاشت‌های برداشت‌شده برای عمل صالح در قرآن به نام‌نگاشت [عمل نیک گستراندن بستر است] اشاره می‌شود. در قرآن می‌فرماید: (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ) (الروم، ۴۴). «آنان که کار نیک انجام دهند، بستر امن برای خود آماده می‌کنند.» یمهدون از ماده [مهد] به معنای آماده‌کردن مکانی برای سکونت و استراحت ذکر شده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۱، ص ۲۰۶). «مهاده» مانند

(الحاقه، ۲۴)، (كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ) (المرسلات، ۴۳) اعمال انسان به‌مثابه خوراکی به ذهن متبادر می‌شود، در آیات سوره‌های طور و مرسلات اطعام و پذیرایی صورت گرفته از نیکوکاران را به سبب اعمال نیکی می‌داند که در دنیا انجام داده‌اند (ابن‌عاشور، بی تا، ج ۲۷، ص ۶۰). در واقع اعمال صالح انسان منجر به این توفیق شده است (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳۰، ص ۷۸۰). در آیه سوره مبارکه حاقه آنچه خورده و یا نوشیده می‌شود را در واقع اعمال صالحی ذکر می‌کند که انسان در دنیا برای بهره‌مندی از زندگی آخرت خود پیش فرستاده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۰۳؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۶۱).

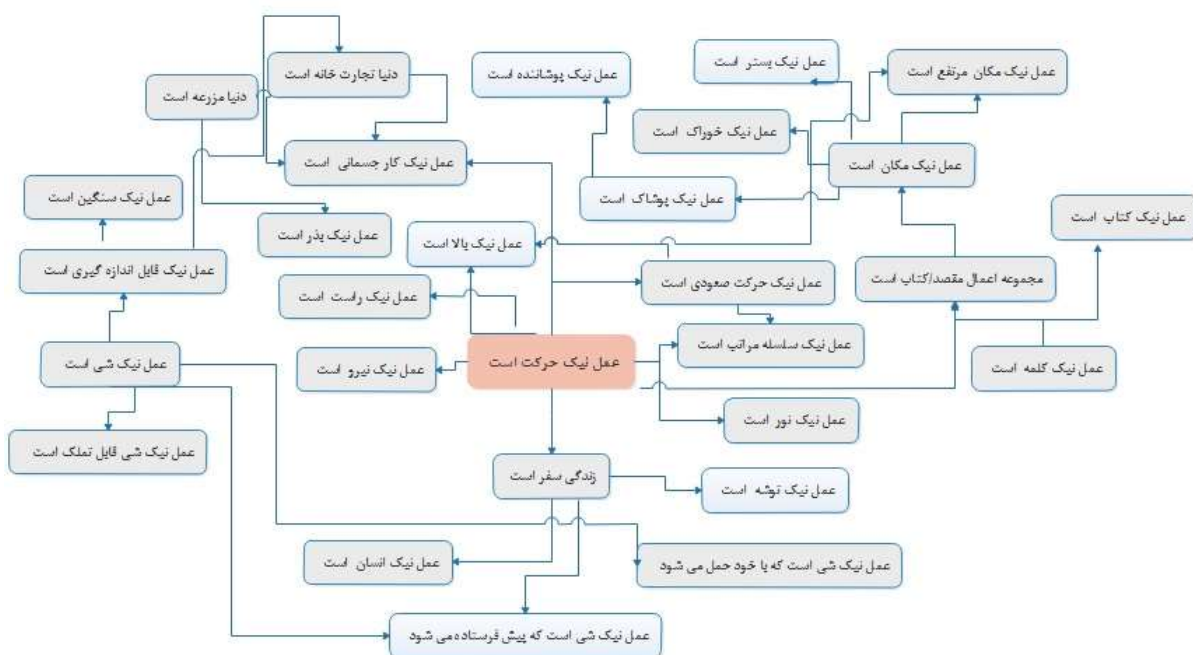
۲ - ۱۱. عمل نیک، به‌مثابه انسان احضار شده

از دیگر نام‌نگاشت‌های به دست آمده در بحث اعمال به نام‌نگاشت [عمل انسان‌ی که احضار می‌شود- است] اشاره کرد که مؤید آن با هم‌آیی «عمل» با «محضرا» در آیه ۳۰ آل عمران، «حاضراً» در آیه ۴۹ سوره کهف و احضرت در آیه ۱۴ سوره تکویر است.

[حَضَرَ] در اصل به معنای مواجه‌شدن با آنچه غایب بوده است که مشاهده، اشراف و قرب از لوازم و آثار آن است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۲۸۰). به صورت اسم برای شهادت‌دادن و حاضرشدن در مکانی یا گواهی‌دادن انسانی به کار رفته است (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۴۱)؛ اما مراد از «محضرا» در عبارت (مَا عَمِلْتُمْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا) (آل عمران، ۳۰) به معنای حاضرکردن موجود غایب از انظار است و دلالت دارد که اعمال نزد خدا محفوظ بوده و خدا در دنیا بدان عالم بوده و آن را محفوظ

این حوزه را نشان می‌دهد. در مدل به دست آمده استعاره‌ها با قرارگرفتن در کنار هم، علاوه بر آنکه به تحلیل یکدیگر کمک می‌کند، گویای آن است که استعاره عمل نیک به مثابه حرکت از زیایی بیشتری نسبت به سایر استعاره‌های برخوردار است و از استعاره‌های بنیادی پژوهش حاضر به شمار می‌رود و این امکان را در برابر مخاطب قرار می‌دهد تا دریابد قرآن برای ساختار دادن به ذهن مخاطب و ایجاد تحول در اندیشه مخاطب از چه شبکه معنایی بهره گرفته است.

«فرش»، چیزی است که انسان آن را برای خود پهن می‌کند تا بستر استراحت خویش را مهیا کند. برخی از انسان‌ها این فرش را با عقیده، اخلاق و اعمال نیک می‌گسترند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۱۹۷؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۶، ص ۷۴۹)، مانند اینکه مسافری پیش از ورود به منزل، کسی را مأمور می‌کند تا منزل او را نظافت کند، فرش خانه را بگسترده تا وقتی وارد می‌شود، منتظر چیزی نباشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۲، ص ۴۸۶).
استعاره‌های به دست آمده در حوزه «اعمال نیک» با قرارگرفتن در کنار یکدیگر، مدل شناختی قرآن در



مفهومی ابزاری برای سازماندهی به تفکر و فهم دینداران است.

از میان حوزه‌های معنایی متعدد در قرآن کریم پژوهش حاضر برای دستیابی به استعاره‌های مفهومی حوزه «اعمال نیک» در قرآن پی گرفته شد. در بررسی

نتیجه‌گیری

قرآن شبکه‌ای در هم تنیده از استعاره‌های مفهومی است و این استعاره‌ها اساس نگرش و جهان بینی قرآنی را تشکیل می‌دهند. استعاره‌های

است» قرار دارد که از استعاره‌های بنیادین قرآن برای مفهوم‌سازی بسیاری از مفاهیم انتزاعی است.

بر پایه استعاره بنیادی به دست آمده عمل نیک انسان، حرکتی هدفمند، گام به گام، بالابرنده، روشنایی‌بخش، به دور از مانع برای رسیدن به مقصد عالی است؛ مقصدی که فرد با تلاش و کوشش ارزشمند و نادیدنی، دنیا را آباد کرده و زمینه آسایش خود را فراهم آورده است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *مقاییس معجم مقاییس اللغة*، چاپ اول، تهران: انتشارات علوم اسلامی.
۳. ابن عاشور، محمد ابن طاهر (بی‌تا)، *التحریر و التئور*، بی‌جا، بی‌نا.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، چاپ اول، بیروت: دارصادر.
۵. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰)، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیرون، دارالفکر.
۶. افراشی، آذیتا و حسامی، تورج (۱۳۹۱)، «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی»، *مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۷. ----- (۱۳۹۵)، *مبانی معناشناسی شناختی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۸. اکبری‌راد، طیبه (۱۳۸۷)، «تفاوت دیدگاه مفسران با دیدگاه معناشناسانه در رابطه با مفهوم عمل

انجام‌شده پیرامون اعمال نیک در قرآن به ۲۵ نام‌نگاشت دست یافته شد، حوزه‌های مبدأ کار جسمانی، شیء، حرکت، پوشش، نیرو، جهت، مکان، نور، پوشاک، خوراک، بستر، انسان، زاد و توشه بستر از حوزه‌های مبدایی است که متناظر با حوزه مقصد عمل نیک است.

حوزه‌های به دست آمده اکثراً از حوزه‌های ملموسی است که برای بشر درک‌شدنی است، مطابق با نظریه فرازبان طبیعی حوزه‌های کار، شیء، حرکت، جهت، مقدار، مکان، انسان از حوزه‌های فهمیدنی برای نوع بشرند و این مطلب نشان‌دهنده آن است که قرآن کریم برای مفهوم‌سازی اعمال نیک از حوزه‌های مبدایی بهره گرفته است که برای نوع بشر ملموس و درک‌شدنی است و اختصاص به مخاطبان عصر نزول ندارد، هرچند که بررسی بستر فرهنگی هر استعاره نکات دقیق‌تری را در برابر مخاطب قرار خواهد داد.

نگاشت‌های استعاری به صورت منفک و مستقل از یکدیگر رخ نمی‌دهند، بلکه به صورتی نظام‌مند با یکدیگر مرتبط‌اند. مطالعه استعاره‌های مفهومی حوزه اعمال نیک نشان داد که استعاره‌ها متن را زایا می‌کنند و فراخوانی استعاره‌ها با یکدیگر به خلق استعاره‌های جدید می‌انجامد.

مدل شناختی به دست آمده در حوزه اعمال نیک نشان داد، استعاره «عمل نیک حرکت است» از استعاره‌های بنیادی پژوهش حاضر است و از نقش بنیادی تری نسبت به سایر استعاره‌ها برای تأثیر در اندیشه مخاطب برخوردار است، از طریق استعاره بنیادی «عمل نیک حرکت است» با اکثر نام‌نگاشت‌های به دست آمده ارتباط برقرار می‌شود. این نام‌نگاشت خود ذیل نام‌نگاشت «زندگی سفر

۱۹. فخرالدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۲۰. قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۶)، *استعاره‌های مفهومی و فضا‌های قرآن*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۱. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷)، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۲۳. کووچش، زلتان (۱۳۹۳) [۲۰۱۰]، *مقدمه‌ای کاربرد رویکرد بر استعاره*، ترجمه: ابراهیم شیرین‌پور، تهران: سمت.

۲۴. لیکاف، جورج و جانسون، مارک (۱۳۹۵)، *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*، ترجمه: هاجر آقا ابراهیمی، تهران: نشرعلم.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

۲۶. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۷. هاشمی، احمد (۱۴۱۲)، *جواهر البلاغه*، قم: مصطفوی.

28. Lakoff, G (1980), *Metaphors we live by*. Chicago, IL: University of Chicago Press.

29. Lakoff, George (1992), *Metaphor and War System used to justify war in the Gulf, Thirty years of Evolution*, 463-481, Amsterdam: John Benjamins

30. Riemer, N (2010), *Introducing semantics: Cambridge introductions to language and linguistics*.

صالح»، فصلنامه علمی پژوهشی: پژوهش دینی، شماره ۱۷، صص ۳۹-۶۰.

۹. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۰)، *فرهنگ ابجدی*، مترجم: رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی.

۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *تسنیم*، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۱. ----- (۱۳۸۷)، *معاد در قرآن*، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء.

۱۲. راغب‌اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، چاپ اول، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.

۱۳. زمخشری، محمود (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.

۱۴. سبحانی، جعفر (۱۴۱۸)، *منشور جاوید*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

۱۵. سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۳)، *رویکرد فرا‌زبان طبیعی: فرض‌ها، مفاهیم و اهداف*، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، شماره ۷، صص ۹۵-۱۱۳.

۱۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۷. طیارای دهاقانی، مصطفی جعفر (۱۳۸۰)، *عمل در ترازوی حق (احباط، تکفیر، موازنه)*، قم: انتشارات اسلامی.

۱۸. عسکری، ابو‌هلال (۱۴۱۸)، *الفروق اللغویه*، قاهر: دارالعلم و الثقافة.

Archive of SID